





به اهتمام

حزین (زهرا) خوش نظر

آبان ماه سال ۱۳۹۵

<http://hazzin.blogfa.com>

<https://telegram.me/hazinkhoshnazar>

فصل اول

واقعه ی غدیر خم



اهمیت حجه الوداع

هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و خروج آن حضرت از مکه معظمه نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار می آید و بعد از این هجرت، حضرت **سه بار** به **مکه** سفر کرده اند.

بار **اول** در سال هشتم پس از صلح حدیبیه به عنوان عمره وارد مکه شدند و طبق قراردادی که با مشرکین بسته بودند فوراً بازگشتند.

بار **دوم** در سال نهم به عنوان فتح مکه وارد این شهر شدند، و پس از پایان برنامه ها و برچیدن بساط کفر و شرک و بت پرستی به طائف رفتند و هنگام بازگشت به مکه آمده و عمره بجا آوردند و سپس به مدینه بازگشتند.

سومین و آخرین بار بعد از هجرت که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم وارد مکه شدند در سال دهم هجری بعنوان حجه الوداع بود که حضرت برای اولین بار به طور رسمی اعلان حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند.

در این سفر دو مقصد اساسی در نظر بود، و آن عبارت بود از دو حکم مهم از قوانین اسلام که هنوز برای مردم به طور کامل و رسمی تبیین نشده بود: یکی **حج**،

و دیگری مسئله **خلافت و ولایت** و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم.

آغاز سفر حج

پس از اعلان عمومی، مهاجرین و انصار و قبایل اطراف مدینه و مکه و حتی بلاد یمن و غیر آن بسوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبرشان بیاموزند و در اولین سفر رسمی حضرت، به عنوان حج شرکت داشته باشند.

اضافه بر آنکه حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است و این می توانست باعث شرکت همه جانبه مردم باشد.

جمعیتی حدود یکصد و بیست هزار نفر (گاهی بیشتر از آن را هم نقل کرده اند) در مراسم حج شرکت کردند که فقط هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به همراه حضرت حرکت کرده بودند، بطوریکه لبیک گویان از مدینه تا مکه متصل بودند.

حضرت چند روز به ماه ذی الحجه مانده از مدینه خارج شدند و بعد از ده روز طی مسافت در روز سه شنبه پنجم ذی الحجه وارد مکه شدند.

امیر المومنین علیه السلام هم که قبلاً از طرف حضرت به یمن و نجران برای دعوت به اسلام و جمع آوری خمس و زکات و جزیه رفته بودند به همراه عده ای در حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن برای ایام حج به مکه رسیدند.

با رسیدن ایام حج در روز نهم ذی الحجه حضرت به موقف عرفات رفتند و بعد از آن اعمال حج را یکی پس از دیگری انجام دادند، و در هر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند.

خطابه اول در منی

در عرفات دستور الهی نازل شد که علم و ودایع انبیاء علیهم السلام را به **علی بن ابی طالب** علیه السلام منتقل کند و او را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی کند.

در منی پیامبر صلی اله علیه و اله و سلم اولین خطابه خود را ایراد فرمودند که در واقع یک زمینه سازی برای خطبه غدیر بود.

در این خطبه ابتدا اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم نمودند، و سپس خونهای بنالحق ریخته شده و اموال بنالحق گرفته شده در جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه توزیها از میان برداشته شود و جو اجتماع برای تامین امنیت آماده شود. سپس مردم را برحذر داشتند که مبدا بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند.

در اینجا تصریح فرمودند که:

اگر من نباشم **علي بن ابي طالب** در مقابل متخلفين خواهد ايستاد.

سپس **حديث ثقلين** بر لسان مبارك حضرت جاري شد و فرمودند:

من دو چيز گرانبها در ميان شما باقي مي گذارم كه اگر به اين دو تمسك كنيد هرگز گمراه نمي شويد:

كتاب خدا و عترتم يعني اهل بيت.

اشاره اي هم داشتند به اينكه عده اي از همين اصحاب من روز قيامت به جهنم برده مي شوند.

نكته جالب توجه اينكه در اين خطابه، **اميرالمؤمنين عليه السلام** سخنان حضرت را براي مردم تكرار مي كردند تا آنان كه دورتر بودند بشنوند.

خطابه دوم در مسجد خيف در مني

در روز سوم از توقف در مني، بار ديگر حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد خيف اجتماع كنند.

در آنجا نيز خطابه اي ايراد فرمودند كه ضمن آن صريحاً از مردم خواستند كه گفته هاي ايشان را خوب به خاطر بسپارند و به غائبان برسانند.

در اين خطبه به اخلاص عمل و دلسوزي براي امام مسلمين و تفرقه نينداختن سفارش فرمودند و تساوي همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانين الهي را اعلام كردند.

بعد از آن بار ديگر متعرض مسئله خلافت شدند و **حديث ثقلين** بر لسان حضرت جاري شد، و بار ديگر براي غدير زمينه را آماده كردند.

در اين مقطع، منافقين كاملاً احساس خطر كردند و قضيه را جدي گرفتند و برنامه هاي خود را آغاز كردند و پيمان نامه نوشتند و هم قسم شدند.

لقب اميرالمؤمنين

در مكه جبرئيل، لقب اميرالمؤمنين را به عنوان اختصاص آن به علي بن ابي طالب عليه السلام از جانب الهي آورد، اگر چه اين لقب قبلاً نيز براي آن حضرت تعيين شده بود.

پيامبر صلي الله عليه و اله و سلم هم دستور دادند تا يك يك اصحابش نزد **علي عليه السلام** بروند و به عنوان اميرالمؤمنين بيا او سلام كنند و **السلام عليك يا اميرالمؤمنين** بگويند،

و بدينوسيله در زمان حيات خود، از آنان اقرار بر امير بودن **علي عليه السلام** گرفت.

در اينجا ابوبكر و عمر به عنوان اعتراض به پيامبر صلي الله عليه و اله و سلم گفتند:

آيا اين حقي از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناك شده فرمودند:

حقي از طرف خدا و رسولش است، خداوند اين دستور را به من داده است.

اعلان رسمي براي حضور در غدیر

با اینکه انتظار می رفت پیامبر خدا در اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بمانند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا به مردم اعلان کند: فردا کسی جز معلولان نباید باقی بماند، و همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در **غدیر خم** حاضر باشند.

غدیر کمی قبل از جحفه که محل افتراق اهل مدینه و اهل مصر و اهل عراق و اهل نجد بود به امر خاص الهی انتخاب شد. در این مکان، آبگیر و درختان کهنسالی وجود داشت.

هم اکنون نیز، غدیر محل شناخته شده ای در دویست و بیست کیلومتری مکه و به فاصله دو میل قبل از جحفه به طرف مکه قرار دارد، و مسجد غدیر و محل نصب امیرالمؤمنین علیه السلام محل عبادت و زیارت زائران است.

برای مردم بسیار جالب توجه بود که پیامبرشان - بعد از ده سال دوری از مکه - بدون آنکه مدتی اقامت کنند تا مسلمانان به دیدارشان بیایند و مسایل خود را مطرح کنند، بعد از اتمام مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در غدیر امر نمودند.

صبح آن روز که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از مکه حرکت کردند، سیل جمعیتی که بیش از صد و بیست هزار نفر (و به قولی صد و چهل هزار، و به قول دیگر صد و هشتاد هزار نفر) تخمین زده می شدند به همراه حضرت حرکت کردند. حتی عده ای حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن که مسیرشان به سمت شمال نبود همراه حضرت تا غدیر آمدند.

اجتماع خطابه و جزئیات خطبه

همین که به منطقه کراع الغمیم - که غدیرخم در آن واقع شده - رسیدند، حضرت مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ

ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم.

و این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است.

سپس فرمان دادند تا منادی ندا کند:

«همه مردم متوقف شوند و آنانکه پیش رفته اند بازگردند و آنانکه پشت سر هستند توقف کنند»

تا آهسته آهسته همه جمعیتی در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

و نیز دستور دادند: کسی زیر درختان کهنسالی که در آنجا بود نرود و آن موضع خالی بماند.

پس از این دستور همه مرکبها متوقف شدند، و کسانی که پیشتر رفته بودند بازگشتند و همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند و هر یک برای خود جایی پیدا کردند، و کم کم آرام گرفتند.

شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین سوزنده و به حدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه ای از لباس خود را به سرانداخته و گوشه ای از آن را زیرپای خود قرار داده بودند، و عده ای از شدت گرما عباي خود را به پایشان پیچیده بودند.

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم سلمان و ابوذر و مقداد را فراخواندند و به آنان دستور دادند تا به

محل درختان کهنسال بروند و آنجا را آماده کنند. آنها خارهای زیر درختان را کنند و سنگهای ناهموار را جمع کردند و زیر درختان را جارو کردند و آب پاشیدند. در فاصله بین دو درخت روی شاخه ها پارچه ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه روزه ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

سپس در زیر سایبان، سنگها را روی هم چیدند و از رواندازهای شتران و سایر مرکبها هم کمک گرفتند و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه ای انداختند، و آنرا طوری بر پا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند.

البته ربیعہ بن امیہ بن خلف کلام حضرت را برای مردم تکرار می کرد تا افرادی که دورتر قرار داشتند مطالب را بهتر بشنوند.

پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما السلام بر فراز منبر

انتظار مردم به پایان رسید. ابتدا منادی حضرت ندای نماز جماعت داد، و سپس نماز ظهر را به جماعت خواندند.

بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بر فراز آن منبر ایستادند و امیرالمؤمنین علیه السلام را فراخواندند و به ایشان دستور دادند بالای منبر بیایند و در سمت راستشان بایستند. قبل از شروع خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام یک پله پایین تر بر فراز منبر در طرف راست حضرت ایستاده بودند.

سپس آن حضرت نگاهی به راست و چپ جماعت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. پس از آماده شدن مردم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند.

دو اقدام عملی بر فراز منبر

در اثناء خطبه، پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دو اقدام عملی بر فراز منبر انجام دادند که بسیار جالب توجه بود:

۱ _ علی بن ابی طالب علیه السلام بر فراز دست پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، برای آنکه تا آخر روزگار راه هرگونه شک و شبهه بسته باشد و هر تلاشی در این راه در نطفه خنثی شود، ابتدا مطلب را به طور لسانی اشاره کردند، و سپس به صورت عملی برای مردم بیان کردند. بدین ترتیب که ابتدا فرمودند:

باطن قرآن و تفسیر آنرا برای شما بیان نمی کند مگر این کسی که من دست او را می گیرم و او را بلند می کنم و بازویش را گرفته او را بالا می برم.

بعد از آن، حضرت گفته خود را عملی کردند، و بازوی **علی بن ابی طالب علیه السلام** را گرفتند.

در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام دست خود را به سمت صورت حضرت باز کردند تا آنکه دستهای هر دویشان به سوی آسمان قرار گرفت.

سپس پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل آن دو را دیدند، که تا آن روز دیده نشده بود. در این حال فرمودند:

هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست.

۲- بیعت با قلبها و زبانها

اقدام دیگر حضرت آن بود که چون بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه، از طرفی غیر ممکن بود و از سوی دیگر امکان داشت افراد به بهانه های مختلف از بیعت شانه خالی کنند و حضور نیابند، و در نتیجه نتوان التزام عملی و گواهی قانونی از آنان گرفت، لذا حضرت در اواخر سخنانشان فرمودند:

ای مردم، چون با یک کف دست و با این وقت کم و با این سیل جمعیت، امکان بیعت برای همه وجود ندارد، پس شما همگی این سخنی را که من می گویم تکرار کنید و بگویید:

ما فرمان تو را که از جانب خداوند درباره **علی بن ابی طالب و امامان** از فرزندانش به ما رساندی اطاعت می کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستان با تو بر این مدعا بیعت می کنیم ... عهد و پیمان در این باره برای ایشان از ما، از قلبها و جانها و زبانها و ضمائر و دستان گرفته شد.

هر کس به دستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است.

پیداست که حضرت، عین کلامی را که می بایست مردم تکرار کنند به آنان القا فرمودند و عبارات آن را مشخص کردند تا هر کس به شکل خاصی برای خود اقرار نکند، بلکه همه به آنچه حضرت از آنان می خواهد التزام دهند و بر سر آن بیعت نمایند.

وقتی کلام پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پایان یافت همه مردم سخن او را تکرار کردند و بدینوسیله بیعت عمومی گرفته شد.

بیعت مردان

پس از پایان خطبه، مردم به سوی پیامبر و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما هجوم آوردند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند، و هم به پیامبر و هم به امیرالمؤمنین علیهما السلام بتویک و تهنیت می گفتند، و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم هم می فرمودند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

عبارت تاریخ چنین است:

پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که:

آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستان اطاعت می کنیم. بعد به سوی پیامبر

و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند

و با ایشان دست بیعت می دادند.

برای آنکه رسمیت مسئله محکم تر شود، و آن جمعیت انبوه بتوانند مراسم بیعت را به طور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند، پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی را مخصوص خودشان

قرار دادند تا در آن جلوس نمایند، و امر کردند تا مردم جمع شوند.

پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم حضور می یافتند و با آن حضرت بیعت نموده و به او تبریک و تهنیت می گفتند.

سپس در خیمه مخصوص **امیرالمومنین علیه السلام** حاضر می شدند و به عنوان **امام** و خلیفه بعد از پیامبرشان با او بیعت می کردند و به عنوان امیرالمومنین بر او سلام می کردند، و این مقام والا را به آن حضرت تبریک و تهنیت می گفتند.

نکته قابل توجهی که در هیچیک از پیروزی های پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم – چه در جنگها و چه سایر مناسبتها و حتی فتح مکه – سراغ نداریم، این است که حضرت در روز غدیر مکرر می فرمود:

به من تبریک بگویید، به من تهنیت بگویید، زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیتم را به امامت اختصاص داده است .

و این نشانه فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق است.

برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در **غدیر** اقامت داشتند.

بسیار بجاست که در این مقطع به قطعه جالبی از تاریخ این بیعت اشاره کنیم:

اولین کسانی که در غدیر با **امیرالمؤمنین علیه السلام** بیعت نمودند و خود را از دیگران جلو انداختند همانهایی بودند که زودتر از همه آنها شکستند و پیش از همه پیمان خود را زیر پا گذاشتند. آنان عبارت بودند از:

ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر، که بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم یکی پس از دیگری رو در روی امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند.

جالب تر اینکه عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می راند:

افتخار برای باد،

گوارایت باد ای پسر ابی طالب،

خوشا به حالت ای ابا الحسن، اکنون تو مولای من و مولای هر مرد و زن مومنی شده ای!

نکته دیگری که بار دیگر چهره دو رویان را روشن ساخت این بود که پس از امر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم همه مردم بدون چون و چرا با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت می کردند، ولی ابوبکر و عمر با آنکه پیش از همه خود را برای بیعت به میان انداخته بودند قبل از بیعت به صورت اعتراض گفتند:

آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش (یعنی: از جانب خود می گویی)؟

حضرت فرمودند: از طرف خدا و رسولش است، و نیز فرمودند:

آری حق است از طرف خدا و رسولش که **علی امیرالمؤمنین است.**

بیعت زنان

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دستور دادند تا ظرف آبی آورند، و پرده ای زدند که نیمی از ظرف آب در یک سوی پرده و نیم دیگر آن در سوی دیگر قرار بگیرد، تا زنان با قرار دادن دست خود در یک سوی آب، و قرار

دادن امیرالمومنین علیه السلام دستشان را در سوی دیگر با حضرت بیعت کنند؛ به این صورت بیعت زنان هم انجام گرفت.

همچنین دستور دادند تا زنان هم به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره همسران خویش مؤکد داشتند.

یادآور می شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت **فاطمه زهرا علیها السلام** از حاضرین در **غدیر** بودند.

همچنین کلیه همسران پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در آن مراسم حضور داشتند.

عمامه سحاب

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در این مراسم عمامه خود را که سحاب نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر **امیرالمومنین علیه السلام** قرار دادند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت آویزان نمودند و فرمودند:

عمامه تاج عرب است.

خود **امیرالمومنین** در این باره چنین فرموده اند:

پیامبر در روز غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم آویختند و فرمودند:

خداوند در روز بدر و حنین، مرا بوسیله ملائکه ای که چنین عمامه ای به سر داشتند یاری نمود.

شعر غدیر

بخش دیگری از مراسم پر شور غدیر، درخواست حسان بن ثابت بود.

او به حضرت عرض کرد:

یا رسول الله، اجازه می فرمایید شعری را که درباره **علی بن ابی طالب** (به مناسبت این واقعه عظیم) سروده ام بخوانم؟

حضرت فرمودند: بخوان ببرکت خداوند.

حسان گفت:

ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید.

و سپس اشعاری را که در همانجا سروده بود خواند که به عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند. ذیلاً متن عربی شعر حسان و سپس ترجمه آنرا معنی آوریم:

لَدَى دَوْحٍ خُمٌ حِينَ قَامَ مُنَادِيًا	اَلَمْ تَعْلَمُوْا اَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا
بِأَنَّكَ مَعْصُومٌ فَلَا تَكُ وَانِيًا	وَ قَدْ جَاءَهُ جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ

وَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ وَحَادَرْتَ بَاغِيًا وَبَلَّغُهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ رَبُّهُمْ
رِسَالَتَهُ إِنْ كُنْتَ تَخْشَى الْأَعَادِيَا عَلَيْكَ فَمَا بَلَّغْتَهُمْ عَنْ إِلَهُهُمْ
بِيَمْنَى يَدِيهِ مُعَلِّنَ الصَّوْتِ عَالِيًا فَقَامَ بِهِ إِذْ ذَاكَ رَافِعُ كَفِّهِ
وَكَانَ لِقَوْلِي حَافِظًا لَيْسَ نَاسِيًا فَقَالَ لَهُمْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ مِنْكُمْ
بِهِ لَكُمْ دُونَ الْبَرِيَّةِ رَاضِيًا فَمَوْلَاهُ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَ إِنِّي
وَ كُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلِيًّا مُعَادِيًا فَيَا رَبِّ مَنْ وَالَى عَلِيًّا فَوَالِهِ
إِمَامَ الْهُدَى كَالْبَدْرِ يَجْلُو الدِّيَابِيَا يَا رَبِّ فَأَنْصُرْ نَاصِرِي لِنَصْرِهِمْ
إِذَا وَقَفُوا يَوْمَ الْحِسَابِ مُكَافِيَا يَا رَبِّ فَأَخْذُلْ خَادِلِيهِ وَ كُنْ لَهُمْ

آیا نمی دانید که محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم کنار درختان غدیر خم با حالت ندا ایستاد، و این در حالی بود که جبرئیل از طرف خداوند پیام آورده بود که در این امر سستی مکن که تو محفوظ خواهی بود، و آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی و از ظالمان بترسی و از دشمنان حذر کنی رسالت پروردگارشان را نرسانده ای.

در اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دست **علی علیه السلام** را با دست راست بلند کرد و با صدای بلند فرمود:

هر کس از شما که من مولای او هستم و سخن مرا بیاد می سپارد و فراموش نمی کند،

مولای او بعد از من **علی** است، و من فقط به او – نه به دیگری – به عنوان جانشین خود برای شما راضی هستم.

پروردگارا هر کس علی را دوست بدارد او را دوست بدار،

و هر کس با علی دشمنی کند او را دشمن بدار.

پروردگارا یاری کنندگان او را یاری فرما بخاطر نصرتشان امام هدایت کننده ای را که در تاریکیها مانند ماه شب چهارده روشنی می بخشد.

پروردگارا خوار کنندگان او را خوار کن و روز قیامت که برای حساب می ایستند خودت جزا بده.

ظهور جبرئیل در غدیر

مسئله دیگری که پس از خطبه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پیش آمد و بار دیگر حجت را بر همگان تمام کرد، این بود که مردی زیبا صورت و خوشبوی را دیدند که در کنار مردم ایستاده بود و می گفت:

بخدا قسم، روزی مانند امروز هرگز ندیدم. چقدر کار پسر عمویش را مؤکد نمود، و برای او پیمانی بست که جز کافر به خداوند و رسولش آنرا برهم نمی زند. وای بر کسی که پیمان او را بشکند.

در اینجا عمر نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آمد و گفت: شنیدی این مرد چه گفت؟!

حضرت فرمودند: آیا او را شناختی؟ گفت: نه.

حضرت فرمودند:

او روح الامین جبرئیل بود.

تو مواظب باش این پیمان را نشکني، که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مومنان از تو بیزار خواهند بود!

معجزه غدیر، امضای الهی

واقعه عجیبی که به عنوان يك معجزه، امضای الهی را بر خط پایان غدیر ثبت کرد جریان حارث فهری بود. در آخرین ساعات از روز سوم، او به همراه دوازده نفر از اصحابش نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آمد و گفت:

ای محمد! سه سوال از تو دارم:

آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خودت را از جانب پروردگارت آورده ای یا از پیش خود گفتی؟

آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده ای یا از پیش خود گفتی؟

آیا این **علی بن ابی طالب** که گفتی **مَنْ كُنْتُ مَوْلَا فَعَلِيٌّ مَوْلَا** ... از جانب پروردگار گفتی یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سوال فرمودند:

خداوند به من وحی کرده است و واسطه بین من و خدا جبرئیل است و من اعلان کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگار خبری را اعلان نمی کنم.

حارث گفت:

خدایا اگر آنچه محمد می گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست.

و در روایت دیگر چنین است:

خدایا، اگر محمد در آنچه می گوید صادق و راستگو است شعله ای از آتش بر ما بفرست.

همین که سخن حارث تمام شد و براه افتاد خداوند سنگی را از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و از دُبرش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد.

در روایت دیگر: ابر غلیظی ظاهر شد و رعد و برقی بوجود آمد و صاعقه ای رخ داد و آتشی فرود آمد و همه دوازده نفر را سوزانید.

بعد از این جریان، آیه **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱) لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)** ... نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به اصحابشان فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند: آری.

و با این معجزه، بر همگان مسلم شد که غدیر از منبع وحی سرچشمه گرفته و يك فرمان الهی است.

پایان مراسم غدیر

بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان ایام الولایه در ذهنها نقش بست.

گروهها و قبائل عرب، هر یک با دنیایی از معارف اسلام، پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشین او راهی شهر و دیار خود شدند، و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم عازم مدینه گردید.

خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدینگونه خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد.



بخش دوم



حمد و ثنای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه، و در تنهایی و فرد بودنش نزدیک است.

در قدرت و سلطه خود با جلالت و در ارکان خود عظیم است.

علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است،

و همه مخلوقات با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد.

همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتنی نیست.

ابتدا کننده و بازگرداننده اوست و هر کاری به سویی او باز می گردد.

به وجود آورنده بالا برده شده ها (آسمان ها و افلاک) و پهن کننده گسترده ها (زمین)،

یگانه حکمران زمین ها و آسمان ها،

پاک و منزّه و تسبیح شده، پروردگار ملائکه و روح، تفضّل کننده بر همه آنچه خلق کرده،

و لطف کننده بر هر آنچه به وجود آورده است.

هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشم ها او را نمی بینند.

گرم کننده و بردبار و تحمل کننده است.

رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گذارده است.

در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند و به آنچه از عذابش که مستحقّ آنند مبادرت نمی ورزد.

باطن ها و سریره ها را می فهمد و ضمائر را می داند،

و پنهان ها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود.

او راست احاطه بر هر چیزی و غلبه بر همه چیز و قوت در هر چیزی و قدرت بر هر چیزی،

و مانند او شیئی نیست.

اوست به وجود آورنده شی (چیز) هنگامی که چیزی نبود.

دائم و زنده است، و به قسط و عدل قائم است. خداوندی جز او که با عزت و حکیم است نیست.

بالاخر از آن است که چشمها او را درک کنند ولی او چشمها را درک می کند و او لطف کننده و آگاه است.

هیچکس نمی تواند با دیدن به صفت او راه یابد، و کسی به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد،

مگر به آنچه خود خداوند عزوجل راهنمایی کرده است.

گواهی می‌دهم به او که اوست خدا، خدایی که قدس و پاکی و منزّه بودن او روزگار را پر کرده است.

او که نورش ابدیت را فرا گرفته است.

او که دستورش را بدون مشورت مشورت کننده ای اجرا می‌کند و در تقدیرش شریک ندارد و در تدبیرش کمک نمی‌شود.

آنچه ایجاد کرده بدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمک از کسی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حیل خلق کرده است.

آنها را ایجاد کرد پس به وجود آمدند و خلق کرد پس ظاهر شدند.

پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست. صنعت او محکم و کار او زیباست.

عادل‌تری که ظلم نمی‌کند و کرم‌کننده‌ای که کارها به سویی او باز می‌گردد.

شهادت می‌دهم اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزّت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند.

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه، که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند.

شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می‌گرداند، که به سرعت در پی آن می‌رود.

در هم شکننده هر زورگویی با عناد، و هلاک کننده هر شیطان سرپیچ و متمرّد.

برای او ضدّی و همراه او معارضی نبوده است.

یکتا و بی‌نیاز است. زاییده نشده و نمی‌زاید، و برای او هیچ همتایی نیست. خدای یگانه و پرودگار با عظمت.

می‌خواهد پس به انجام می‌رساند، و اراده می‌کند پس مقدر می‌نماید، و می‌داند پس به شماره می‌آورد.

می‌میراند و زنده می‌کند، فقیر می‌کند و غنی می‌نماید، می‌خنداند و می‌گریاند،

نزدیک می‌کند و دور می‌نماید، منع می‌کند و عطا می‌نماید.

پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست.

خير به دست اوست و او بر هر چيزي قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو مي برد.

نيست خدائي جز او که با عزّت و آمرزنده است.

اجابت کننده دعا، بسيار عطا کننده دعا، بسيار عطا کننده، شمارنده نفّس ها و پروردگار جنّ و بشر،

که هيچ امري بر او مشکل نمي شود، و فرياد دادخواهان او را مرتّجر نمي کند، و اصرارِ اصرار کنندگانش او را خسته نمي نمايد. نگهدارنده صالحين و موفّق کننده رستگاران و صاحب اختيار مومنان و پروردگار عالميان.

خدائي که از آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالي شکر و سپاس گويند.

او را سپاس بسيار مي گويم و دائم اُشکر مي نمايم، چه در آسايش و چه در گرفتاري، چه در حال شدت و چه در حال آرامش.

و به او و ملائکه اش و کتاب ها و پيامبرانش ايمان مي آورم.

دستور او را گوش مي دهم و اطاعت مي نمايم و به آنچه او را راضي مي کند مبادرت مي ورزم و در مقابل مقرّرات او تسليم مي شوم بـعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او،

چرا که اوست خدائي که نمي تواند از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداريم (يعني ظلم نمي کند).

فرمان الهي براي مطلبي مهم

براي خداوند بر نفس خود به عنوان بندگي او اقرار مي کنم، و شهادت مي دهم براي او به پروردگاري،

و آنچه به من وحي نموده ادعا مي نمايم از ترس آنکه مبدا اگر انجام ندهم عذابي از او بر من فرود آيد که هيچکس نتواند آن را دفع کند، هر چند که حيله عظيمي بکار بندد و دوستي او خالص باشد.

نيست خدائي جز او.

زيرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق **علي** بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را

نرسانده ام، و براي من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفايت کننده و کريم است.

خداوند به من چنين وحي کرده است:

اي پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پرودگارت بر تو نازل شده – درباره **علي**، يعني خلافت **علي بن ابي طالب** – و اگر انجام ندهي رسالت او را نرسانده اي، و خداوند تو را از مردم حفظ مي کند.

اي مردم!

من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهي نکردم،

و من سبب نزول اين آيه را براي شما بيان مي کنم:

جبرئيل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام – که او سلام است – مرا مامور کرد که در اين اجتماع بپا خيزم و بر هر سفيد و سياهي اعلام کنم که:

علي بن ابي طالب برادر من و وصي من و جانشين من بر امتم و امام بعد از من است.

نسبت او به من همانند هارون به موسي است جز اينکه پيامبري بعد از من نيست.

و او صاحب اختيار شما بعد از خدا و رسولش است.

و خداوند اين آيه از کتابش را بر من نازل کرده است:



صاحب اختيار شما خدا و رسولش هستند و کساني که ايمان آورده و نماز را بپا مي دارند و در حال رکوع زکات مي دهند.

و **علي بن ابي طالب** است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در حال خداوند عزوجل را قصد مي کند.

من از جبرئيل در خواست کردم از خدا بخواهد تا مرا ابلاغ اين مهم معاف بدارد،

زيرا از کمي متقين و زيادي منافقين و فساد ملامت کنندگان و حيله هاي مسخره کنندگان اسلام اطلاع دارم،

کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده است که با زبانشان می گویند آنچه در قلبهایشان نیست، و این کار را سهل می شمارند در حالی که نزد خداوند عظیم است.

همچنین به خاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده اند تا آنجا که مرا اُذن «گوش دهنده بر هر حرفی» نامیدند، و گمان کردند که من چنین هستم به خاطر ملازمت بسیار **علی** با من و توجه من به او و تمایل او و قبولش از من، تا آنکه خداوند عزوجل در این باره چنین نازل کرد:

از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او اُذن «گوش دهنده به هر حرفی» است، بگو: گوش است - بر ضد کسانی که گمان می کنند او اُذن است- و برای خود خیر است، به خدا ایمان می آورد و در مقابل مومنین اظهار تواضع و احترام می نماید، و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند رحمت است؛ و کسانی که پیامبر را اذیت می کنند عذاب دردناکی در انتظارشان است.

اگر من بخواهم گویندگان این نسبت اُذن را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با علانم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی به خدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام. بعد از همه اینها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق **علی** بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

ای پیامبر برسان آنچه - در حق **علی** - از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند.

اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

ای مردم!

این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مجاهدین و انصار بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه، بر هر یکتاپرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است.

هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است.

ای مردم!

این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بیا می ایستم.

پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید، چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار شما و معبود شماست،

و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده،

و بعد از من **علی** صاحب اختیار شما و **امام** شما به امر خداوند است،

و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و امامان حلال کرده باشند،

و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و امامان بر شما حرام کرده باشند.

خدای عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است،

و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام.

ای مردم!

علی را (بر دیگران) فضیلت دهید.

هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من جمع کرده است، و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین

جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به **علی** آموخته ام.

اوست **امام مبین** که خداوند در سوره **یس** ذکر کرده است:

و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم.

ای مردم!

از **علی** به سویی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید.

اوست که به حق هدایت نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع

نمی شود. **علی** اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت.

اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد.

اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عیلت نمی کرد.

از طرف خداوند به او امر کردم که در خوابگاه من بخوابد،

او هم در حالی که جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ای مردم!

او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

ای مردم!

او از طرف خداوند امام است،

و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد،

حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت تا آخر روزگار معذب نماید.

پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگ ها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم!

به خدا قسم پیامبران و رسولان پیشین بهمن بشارت داده اند، و من به خدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل آسمان ها و زمین ها هستم.

هر کس در این مطالب شك کند مانند کفر جاهلیت اول کفار شده است؛

و هر کس در چیزی از این گفتار من شك کند در همه ی آنچه بر من نازل شده شك کرده است،

و هر کس در یکی از امامان شك کند در همه آنها شك کرده است، و شك کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم!

خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که منّتی از او بر من و احسانی از جانب او به سویی من است. خدایی جز او نیست.

حمد و سپاس از من بر او تا ابدیت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم!

علي را فضيلت دهيد كه او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامي كه خداوند روزي را نازل

مي كند و خلق باقي هستند.

معلون است ملعون است. مورد غضب است مورد غضب است ، كسي كه اين گفتار مرا رد كند و با آن موافق نباشد.

بدانيد كه جبرئيل از جانب خداوند اين خبر را براي من آورده است و مي گويد:

«هر كس با **علي** دشمني كند و ولايت او را نپذيرد لعنت و غضب من بر او باد».

هر كس ببيند براي فردا چه پيش فرستاده است.

از خدا بترسد كه با **علي** مخالفت كنيد و در نتيجه قلمي بعد از ثابت بودن آن بلغزد،

خداوند از آنچه انجام مي دهيد آگاه است.

اي مردم!

علي «جنب الله» است كه خداوند در كتاب عزيزش ذكر کرده و درباره كسيكه با او مخالفت كند فرموده است:

اي حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و كوتاهي كردم.

اي مردم!

در قرآن تدبر نماييد و آيات آن را بفهميد و در محكمات آن نظر كنيد و به دنبال متشابه آن نرويد.

به خدا قسم، باطن آن را براي شما بيان نمي كند و تفسيرش را براي تان روشن نمي كند مگر اين شخصي كه دست او را مي گيرم و او را به سوي خود بالا مي برم و بازوي او را مي گيرم و با دو دستم او را بلند مي كنم و به شما مي فهمانم كه

هر كس من صاحب اختيار اويم اين **علي** صاحب اختيار اوست و او **علي بن ابي طالب** برادر و جانشين من است، و ولايت او از خداوند عزوجل است كه بر من نازل کرده است.

اي مردم!

علي و پاكان از فرزندانم از نسل او **ثقل اصغرند** ، و **قرآن ثقل اكبر** است.

هر يك از اين دو از ديگري خبر مي دهد و با هم موافق هستند.

آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند.

بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم، بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من شنوایم، بدانید که من روشن نمودم،

بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عزوجل می گویم،

بدانید که امیرالمومنین جز این برادر من نیست.

بدانید که امیرالمومنین بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

بلند کردن امیرالمومنین علیه السلام بدست رسول خدا صلی الله علیه و اله

سپس پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دستش را بر بازوی **علی علیه السلام** زدند و آن حضرت را بلند کردند.

و این در حالی بود که **امیرالمومنین علیه السلام** از زمانی که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بر فراز منبر آمده بودند يك پله پایین تر از مکان حضرت ایستاده بودند و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در يك مکان ایستاده اند.

پس پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با دستشان ایشان را بلند کردند و هر دو دست را به سوی آسمان باز نمودند و **علی علیه السلام** را از جا بلند نمودند تا حدی که پای ایشان موازی زانوی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رسید. سپس فرمودند:

ای مردم!

این **علی** است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امت بر آنان که به من ایمان آورده اند،

و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عزوجل و دعوت به آن و عمل کننده به آنچه او را راضی می کند،

و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او.

اوست خلیفه رسول خدا، و اوست **امیرالمومنین** و امام هدایت کننده از طرف خداوند،

و اوست قاتل ناکثین و قاسطین و مارقین به امر خداوند.

خداوند مي فرمايد: سخن در پيشگاه من تغيير نمي پذيرد.

پرودگارا، به امر تو مي گويم:

خداوندا دوست بدار هر کس **علي** را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس **علي** را دشمن بدارد،

و ياري کن هر کس **علي** را ياري کند و خوار کن هر کس **علي** را خوار کند،

و لعنت نما هر کس **علي** را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق **علي** را انکار نمايد.

پرودگارا،

تو هنگام روشن شدن اين مطلب و منصوب نمودن **علي** در اين روز، اين آيه را دربارۀ او نازل کردي:

امروز دين شما را براي اتيان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دين شما راضي شدم. فرمودي:

دين نزد خدا اسلام است و فرمودي:

هر کس ديني غير از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زيانکاران خواهد بود. پرودگارا، تو را شاهد مي گيرم که من ابلاغ نمودم.

تاکيد بر توجه امت به مسئله امامت

اي مردم!

خداوند دين شما را با امامت او کامل نموده، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کساني که جانشين او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قيامت و روز رفتن به پيشگاه خداوند عزوجل، چنين کساني اعمالش در دنيا و آخرت از بين رفته و در آتش دائمي خواهند بود. عذاب از آنان تخفيف نمي يابد و به آنها مهلت داده نمي شود.

اي مردم!

اين **علي** است که ياري کننده ترين شما نسبت به من و سزاوارترين شما به من و نزديک ترين شما به من؛

خدای عزوجل و من از او راضي هستيم.

هيچ آيه رضايتي در قرآن نازل نشده مگر دربارۀ او،

هیچگاه خداوند مومنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است،

و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او،

و خداوند در سوره «هَلْ أَتَى» شهادت به بهشت نداده مگر برای او، و این سوره جز او را مدح نکرده است.

ای مردم!

او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خداست، و اوست با تقوای پاکیزه هدایت کننده هدایت شده.

پیامبرتان بهترین پیامبر و وصی تان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم!

نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیرالمومنین علی است.

ای مردم!

شیطان آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد. مبدا به علی حسد کنید که اعمالتان نابود شود و قدم هایتان بلغزد.

آدم به خاطر يك گناه به زمین فرستاده شد در حالی که انتخاب شده خداوند عزوجل بوده، پس شما چگونه خواهید بود در حالی که شمايید و در بین شما دشمنان خدا هستند.

بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر بی تقوی و به او ایمان نمی آورد مگر مومن مخلص.

به خدا قسم سوره والعصر درباره علی نازل شده است:

قسم به عصر، انسان در زیان است مگر علی که ایمان آورد و به حق و صبر راضی شد.

ای مردم!

من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست.

ای مردم!

از خدا بترسید آن گونه که باید ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

اشاره به کارشکنی های منافقین

اي مردم!

ايمان آوريد به خدا و رسولش و به نوري كه همراه او نازل شده است، قتل از آنكه هلاك كنيم وجوهي را و آن صورت ها را به پشت بر گردانيم يا آنان را مانند اصحاب سبت لعنت كنيم.

اي مردم!

نور از جانب خداوند عزوجل در من نهاده شده و سپس در **علي بن ابي طالب** و بعد در نسل او تا **مهدي قائم**،

كه حق خداوند و هر حقي كه براي ما باشد مي گيرد،

چرا كه خداوند عزوجل ما را بر كوتاهي كنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهكاران و ظالمان و غاضبان از همه عالميان حجت قرار داده است.

اي مردم!

شما را مي ترسانم و انذار مي نمايم كه من رسول خدا هستم، و قبل از من پيامبران بوده اند.

آيا اگر من بميرم يا كشته شوم شما عقب گرد مي نماييد؟

هر كس به عقب بر گردد به خدا ضرري نمي رساند، و خداوند به زودي شاكرين و صابرين را پاداش مي دهد. بدانيد كه **علي** است توصيف شده به صبر و شكر، و بعد از او فرزندانم از نسل او چنين اند.

اي مردم!

با اسلامتان بر من منت مگذاريد، بلكه بر خدا منت نگذاريد، كه اعمالتان را نابود مي نمايد و بر شما غضب

مي كند و شما را به شعله اي از آتش و مس گداخته مبتلا مي كند. پرودگار شما در كمين است.

اي مردم!

بعد از من اماماني خواهند بود كه به آتش دعوت مي كنند و روز قيامت كمك نمي شوند.

اي مردم!

خداوند و من از آنان بيزار هستيم.

اي مردم!

آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پایین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران.

بدانید که آنان اصحاب صحیفه هستند، پس هر يك از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوي گوید:

وقتي پیامبر (ص) نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت را نفهمیدند و برایشان سوال انگیز شد، و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

اي مردم!

من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم،
و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غایب و بر همه کسانی که حضور دارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند.

پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و به زودي امامت را بعد از من به عنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند.

خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند.

و در آن هنگام است- اي جن وانس- که می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس گذاخته و نمی توانید آن را از خود دفع کنید.

اي مردم!

خداوند عزوجل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند،

و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

اي مردم!

هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب (اهل آن آیات الهی را) خداوند قبل از روز قیامت آنان را هلاک خواهد کرد و آن را تحت حکومت **امام مهدی** خواهد آورد، و خداوند وعده خود را عملی می نماید.

اي مردم!

قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند، و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد.

خداي تعالي مي فرمايد:

آيا ما پيشينيان را هلاك نكرديم؟ آيا در پي آنان ديگران را نفرستاديم؟ ما با مجرمان چنين مي كنيم.

واي بر مكذبين در آن روز

اي مردم!

خداوند مرا امر و نهي نموده است،

و من هم به امر الهي **علي** را امر و نهي نموده ام، و علم امر و نهي نزد اوست.

پس امر او را گوش دهيد تا سلامت بمانيد، و او را اطاعت كنيد تا هدايت شويد و نهي او را قبول كنيد تا در راه درست باشيد، و به سوي مقصد و مراد او برويد، و راه هاي بيگانه شما را از راه او منحرف نكند.

پيروان اهل بيت عليهم السلام و دشمنان ايشان

اي مردم!

من راه مستقيم خداوند هستم كه شما را به پيروي آن امر نموده، و سپس **علي** بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او كه امامان هدايت اند، به حق هدايت مي كنند و به ياري حق به عدالت رفتار مي كنند.

سوره حمد درباره من نازل شده، و به خدا قسم درباره ايشان (امامان) نازل شده است.

به طور عموم شامل آنان است و به طور خاص درباره آنان است.

ايشان دوستان خدايند كه ترسي بر آنان نيست و محزون نمي شوند، بدانيد كه حزب خداوند غالب هستند.

بدانيد كه دشمنان ايشان سفهاء گمراه و برادران شياطين اند كه اباطيل را از روي غور به يكدگر مي رسانند. بدانيد كه دوستان اهل بيت كساني اند كه خداوند در كتابش آنان را ياد کرده و فرموده است:

نمي يابي قومي را كه به خدا و روز قيامت ايمان آورده باشند، و در عين حال با كساني كه با خدا و رسولش ضدّيت دارند روي دوستي داشته باشند، اگر چه پدرانشان يا فرزندانشان يا برادرانشان يا فاميلشان باشند. آنان اند كه ايمان در قلبشان نوشته شده و خداوند آنان را با وحي از خود تايد فرموده و ايشان را به بهشتي وارد مي كند كه از پايين آن نهرها جاري است و در آن راضي است و آنان راضي هستند.

آران حزب خداوند هستند. بدانید که حزب خدا رستگارانند.

بدانید که دوستان اهل بیت کسانی اند که خداوند عزوجل آنان را توصیف کرده و فرموده است:

کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را با ظلم نپوشانده اند، آنان اند که برایشان امان است و آنان هدایت یافتگان اند. بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که ایمان آورده اند و به شك نیفتاده اند. بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند، و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند:

سلام بر شما، پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید.

بدانید که دوستان ایشان کسانی هستند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می شوند.

بدانید که دشمنان اهل بیت کسانی اند که به شعله های آتش وارد می شوند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که از جهنم در حالی که می جوشد صدای وحشتناکی می شنود و شعله کشیدن آنها می بینند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند درباره او آنان فرموده است:

هر گروهی که داخل (جهنم) می شوند همتای خود را لعنت می کنند، تا آنکه همه آنان در آنجا به یکدیگر

می پیوندند آخرین آنان با اشاره به اولین آنان می گویند:

پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند؛ پس عذاب دو چندان از آتش به آنان نازل کن.

خدا می فرماید: برای هر دو گروه عذاب مضاعف است ولی شما نمی دانید.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند عزوجل می فرماید:

هرگاه گروهی را در جهنم می اندازد خزانه داران دوزخ از ایشان می پرسند: آیا ترساننده ای برای شما نیامد؟ می گویند: بلی، برای ما نذیر و ترساننده آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است،

و شما در گمراهی بزرگ هستید.

و می گویند: اگر می شنیدیم یا فکر می کردیم از اصحاب آتش نبودیم. به گناه خود اعتراف کردند.

پس دور ببلشند اصحاب آتش.

بدانید که دوستان اهل بیت کسانی هستند که در پنهانی از پرودگارشان می ترسند و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ است.

اي مردم!

چقدر فاصله است بين شعله هاي آتش و بين اجر بزرگ

اي مردم!

دشمن ما کسي است که خداوند او را نکوهش کرده و او را لعنت کرده ،

و دوست ما کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد.

اي مردم! بدانيد که من نذير و ترساننده ام و **علي** بشارت دهنده است.

اي مردم! بدانيد که من مُنذر و بر حذر دارنده ام و **علي** هدايت کننده است.

اي مردم! من پيامبرم و **علي** جانشين من است.

اي مردم!

بدانيد که من پيامبرم و **علي** امام و وصي بعد از من است،

و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانيد که من پدر آنانم و آنها از صلب او به وجود مي آيند.

حضرت مهدي عجل الله فرجه الشريف

بدانيد که آخرين امامان، **مهدي قائم** از ماست.

اوست غالب بر اديان،

اوست انتقام گیرنده از ظالمين.

اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها.

اوست غالب بر هر قبيله اي از اهل شرك و هدايت کننده آنان.

بدانيد که اوست انتقام گیرنده همه خون هاي اولياء خدا.

اوست ياري دهنده دين خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق.

اوست که هر صاحب فضیلتی را بهقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به جهلش نشانه می دهد.

اوست وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پرودگارش، و بالا برنده آیات الهی.

اوست هدایت یافته محکم بنیان.

اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند.

اوست که به عنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست.

هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود.

اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقتش و امین او بر نهان و آشکارش.

مطرح کردن بیعت

ای مردم!

من برایتان روشن کردم و به شما فهانیدم، و این **علی** است که بعد از من به شما می فهاند.

بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من به عنوان بیعت با او و اقرار به او،

و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و **علی** با من بیعت کرده است،

و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم.

خداوند مي فرمايد:

كساني كه با تو بيعت مي كنند، دست خداوند بر روي دست آنان است.

پس هر كس بيعت را بشكند بر ضرر خود اوست،

و هر كس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظيمي عنايت خواهد كرد.

حلال و حرام، واجبات و محرمات

اي مردم!

حج و عمره از شعائر الهي هستند، خداوند مي فرمايد:

هر كس به خانه خدا به عنوان حج يا عمره بيايد براي او اشكالي نيست كه بر صفا و مروه بسيار طواف كند،

و هر كس كار خيري را بدون چشم داشتي انجام دهد خداوند سپاسگزار داناست.

اي مردم!

به حج خانه خدا برويد. هيچ خانداني به خانه خدا وارد نمي شود مگر آنكه مستغني مي گردند و شاد مي شوند،

و هيچ خانداني آن را ترك نمي كنند مگر آنكه منقطع مي شوند و فقير مي گردند.

اي مردم!

هيچ مومني در موقف (عرفات، مشعر، مني) وقف نمي كند مگر آنكه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت

مي آمرزد،

و هرگاه كه حشش پايان يافت اعمالشان را از سر مي گيرد.

اي مردم!

حاجيان كمك مي شوند و آنچه خرج مي كنند به آنان باز مي گردد،

و خداوند جزای محسنین را ضایع نمی نماید.

ای مردم!

با دین کامل و با تفقه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مگردید.

ای مردم!

نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید همانطور که خداوند عزوجل به شما فرمان داده است و اگر زمان طولی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، **علی** صاحب اختیار شماس است و برای شما بیان می کند، او که خداوند عزوجل بعد از من عنوان امین بر خلقت او را منصوب نموده است.

او از من است و من از اویم.

او و آنان که از نسل من اند آنچه را ندانید برای شما بیان می کنند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلال ها دستور دهم و از همه حرام ها نهی کنم و پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عزوجل درباره **امیرالمومنین علی** و جانشینان بعد از او آورده ام که نسل من و اویند، و آن موضوع امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخر ایشان **مهدی** است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را ملاقات کند.

ای مردم!

هر حال که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از نهی نمودم، هرگز از آنها بر نگشته ام و تغییر نداده ام.

این مطلب را به یاد داشته باشید و آن را تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

من سخن خود را تکرار می کنم: نماز را بپا دارید زکات را بپردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمایید.

بدانید که بالاترین امر به معروف آن است که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتشان نهی نمایید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عزوجل و از نزد من است،

و هیچ امر به معروف و نهی از منکری نمیشود مگر با **امام معصوم**.

ای مردم!

قرآن به شما می‌شناساند که امام بعد از **علی** فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می‌فرماید:

آن (امامت) را به عنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد، و من نیز به شما گفتم: اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید هر گز گمراه نمی‌شود.

ای مردم!

تقوی را، تقوی را. از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عزوجل فرموده:

زلزله قیامت شی عظیمی است.

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را به یاد آورید.

هر کس حسنه با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می‌شود،

و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

بیعت گرفتن رسمی

ای مردم!

شما پیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید،

و پرودگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره آنچه منعقد نمودم برای **علی**

امیرالمؤمنین و امامانی که بعد از او می‌آیند و از نسل من و اویند، چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

پس همگی چنین بگویید:

ما شنیدیم و اطاعت می‌کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می‌آوریم درباره آنچه از جانب پرودگار ما و خودت به ما رساندی درباره امر امامت امامان **علی امیرالمؤمنین** و امامانی که از صلب او به دنیا می‌آیند.

بر این مطلب با قلب و با جان و با زبان و دستانمان با تو بیعت می‌کنیم.

بر این عقیده زنده ایم و به آن می‌میریم و (روز قیامت) با آن محشور می‌شویم.

تغییر نخواهیم داد تبدیل نمی‌کنیم و شك و انکار نمی‌نماییم و تردید به دل راه نمی‌دهیم و از این قول

بر نمی‌گردیم و پیمان را نمی‌شکنیم.

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره **علی امیرالمؤمنین** و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند،

یعنی **حسن و حسین** و آنان که خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلب هایمان و جان و زبان و ضمائر و دستهایمان.

هر کس توانست با دست بیعت می‌نماید و گرنه با زبانش اقرار می‌کند.

هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند در این باره از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلان می‌رسانیم.

و خدا را بر آن شاهد می‌گیریم.

خداوند در شاهد بودن کفایت می‌کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی.

ای مردم!

چه می‌گویید؟ خداوند هر صدایی را و پنهان‌های هر کسی را می‌داند.

پس هر کس هدایت یافت به نفع خودش است و هر کس گمراه شده است،

و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می‌کند. دست خداوند بر روی بیعت‌کنندگان است.

ای مردم!

با خدا بیعت نمایید و با **علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین** و امامان از ایشان در آخرت،

به عنوان امامتي كه در نسل ايشان باقي است بيعت كنيد.

خداوند بيعت شكنان را هلاك و وفاداران را مورد رحمت قرار مي دهد،

و هر كس بيعت را بشكند به ضرر خویش شکسته است، و هر كس به آنچه با خدا پيمان بسته وفا كند خداوند به او اجر عظيمي عنايت مي فرمايد.

اي مردم!

آنچه به شما گفتم بگوئيد (تكرار كنيد)، و به **علي** به عنوان «**امير المؤمنين**» سلام كنيد و بگوئيد:

شنيديم و اطاعت كرديم. پرودگارا مغفرت تو را مي خواهيم و بازگشت به سوي تو ست.

و بگوئيد: حمد و سپاس خدای را كه ما را به اين راه هدايت كرد، و اگر خداوند هدايت نمي كرد ما هدايت

نمي شدیم.

فرستادگلت پرودگارمان به حق آمده اند.

اي مردم!

فضايل **علي بن ابي طالب** نزد خداوند كه در قرآن آن را نازل کرده- بيش از آن است كه همه را در يك

مجلس بشمارم.

پس هر كس درباره آنها به شما خبر داد و معرفت آن را داشت او را تصديق كنيد.

اي مردم!

هر كس خدا و رسولش و **علي** و اماماني را ذكر كردم اطاعت كند به رستگاري بزرگ دست يافته است.

اي مردم،

كساني كه براي بيعت با او و قبول ولايت او و سلام كردن به عنوان «**امير المؤمنين**» با او، سبقت بگيرند آنان رستگارند و در باغ هاي بهشت خواهند بود.

اي مردم!

سخني بگوئيد كه به خاطر آن خداوند از شما راضي شود،

و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند به خدا ضرری نمی‌رسانند. خدایا، به خاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را بیامرز و بر منکرین که کافرنده غضب نما،

و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم بنجم



بخش سوم

بخشی از فضائل حضرت علی علیه السلام

۱ _ ازدواج آسمانی

ازدواج حضرت **علی (ع)** با حضرت **فاطمه (ع)** به فرمان خداوند، از امتیازاتی است که رسول اکرم (ص) بر آن مباهات می‌کرد. در این پیوند پر میمنت، فرشتگان آسمان در سرور و شادمانی، و بهشتیان به زینت و زیور آراسته شده بودند.

۲ _ خطبه خلافت

خلافت (ظاهری) **حضرت علی (ع)** با ایراد اولین خطبه در مسجد مدینه پس از بیست و پنج سال سکوت

آغاز شد.

۳ _ بخشش انگشتر

حضرت **علی(ع)** در رکوع نماز انگشتر خویش را به سائل عطا فرمودند و جبرئیل این پیام را آورد:
ای محمد! بخوان: سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و کسانی که با ایمان به خدا نماز به پا داشته و در حال رکوع صدقه دادند. مائده، ۵۵

۴ _ حدیث بساط

رویداد سیر فضائی حضرت **علی(ع)** همچون سلیمان پیغمبر در بساط با جمعی از مدینه تا غار اصحاب کهف از فضائی است که داستان شگفت انگیز آن در کتب فریقین آمده است.

۵ _ عقد اخوت

پیمان برادری رسول اکرم(ص) با امیر مؤمنان را مورّخین چنین آورده اند:
با نزول آیه اخوت(حجرات: ۱۰) پیامبر عده ای از اصحاب را بنا بر درجه ایشان با یکدیگر برادر خواند و **حضرت علی(ع)** را برای خود نگه داشت و دست او را بلند نموده و فرمود:
«هذا اخي في الدنيا والآخرة» این برادر من در دنیا و آخرت است.

۶ _ آیه مباحله

جریان مباحله با نصاری نجران رخدادی عظیم در تاریخ اسلام است.
قرآن کریم در این باره می فرماید:
«بیانید تا بخوانیم فرزندان و زنان و نفسهایمان را با یکدیگر»(آل عمران: ۵۹)
همراهی **علی(ع)** با پیامبر(ص) در این مباحله نهایت فضل و رتبه ایشان را می رساند.
زیرا خداوند او را نفس و جان پیغمبر معرفی می کند.

۷ _ نزول آیه هل اتی

حضرت **علی(ع)** با سه روز روزه گرفتن، غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشید و با آب افطار نمود، و به افتخار این ایثار، جبرئیل بلا بلاغ تهنیت بر چنین اهل بیتی سوره هل اتی (انسان) را در شأن آن حضرت بر پیامبر نازل کرد.

هر کس فضیلتی از فضایل
 علی بن ابی طالب (ع) را بنکارد؛
 تا زمانی که اثری از آن نوشته باقی باشد
 همواره ملانکه برای نگارنده آن
 استغفار می کنند.
 (رسول اکرم ص)



اليوم اكمال لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي
 ورضيت لكم الاسلام ديناً

بخش چهارم

ولایت عشق

و در فرمان غدیر **الْیَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** بر صحیفه‌ی نبوت محمدی، مهر و امضای ولایت علوی زده شد

که این هر دو از هم جدا نبودند که در غدیر به هم پیوسته باشند.

خمخان ی غدیر علوی شراباً طهورایی بود که به فرمان الهی در کام تشنگی عاشقان کوثر ولایت ریخته شد

و تا ابد جان‌های مشتاق آنان را مست خم غدیر نمود که:

هر دو جهان و قدسیان مست خم غدیر او

هلهله ی ملائکه می رسد از عید علی

و بزم غدیر بود، و جام ولایت،

و ساقی حضرت علی علیه السلام،

و میکده‌ای به وسعت دل‌های شیعه،

که در همه جای تاریخ جام‌های ولایت به دستشان،

و بانگ نوشانوش ملائک هفت گنبد را تسخیر کرده است.

و مگر آدم علیه‌السلام پس از گناه نخستین به واسطه ولایت علی علیه‌السلام و فرزندان مطهرش توبه‌اش پذیرفته نشد؟

فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ^۱

(پس فراگرفت آدم از پروردگارش کلماتی را پس توبه‌اش پذیرفته شد.)

و این کلمات آیا جز نام‌های مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله

و فاطمه سلام الله علیها

و حضرت علی علیه‌السلام

و فرزندان پاک او بود؟

^۱ - بقره، آیه ۲۷.

چشمه ی کوثر در دستان **علی علیه السلام** است.

و کوثر جان‌های تشنه را سیراب می‌کند و دامن‌های آلوده به گناه را می‌شوید.

به خدا قسم اگر انبیاء در قلب‌هایشان محبت **علی علیه السلام** و فرزندان او نبود ،

محال بود قدم به این جهان گذارده و مشعل هدایت بدست بگیرند.

ولایت **امیرالمؤمنین علی علیه السلام** عهدنامه‌ای است که تمام اولیاء خدا آن را در روز الست امضا کرده‌اند.

و علم او دریایی بی‌نهایت،

و سینه‌اش پر از سخن ،

و لبانش تلالؤ نور،

و به این مردمان کر و کور و گنگ بانگ می‌زد:

سَيَاوَنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي

بپرسید از من پیش از آنکه مرا نیابید.

و پیش از او هیچکس سلونی نگفته بود ،

و بعد از او به شهادت تاریخ هر کس پا از گلیم فهم خویش فراتر نهاد و سلونی گفت مفتضح روزگار گردید.

و زمین پر از قصه است و زمانه پر از غصه‌ها و اندوه‌های جانکاه **علی علیه السلام**.

و **علی علیه السلام** سر به نخلستان‌ها می‌گذاشت و دل درمند خویش را بدنبال می‌کشید و زیر لب زمزمه می‌کرد:

«به خدا شکایت می‌برم از مردمی که در نادانی زندگی می‌کنند و گمراه می‌میرند.»

و محبت **علی علیه السلام** داروی درمندان ،

و ذکر نامش توان زانوان خسته و مرهم جان‌های سوخته ،

و **عشق** او نورانیت قلب‌ها و روشنایی دیدگان.

و سینه از **عشق** او بی‌تاب و طور سینه جایگاه محبت او.

و نامش قلم را بی‌تاب می‌کند ، و از نوشتن می‌ماند ،

که کلمات حقیرتر از آنند که بتوانند از عهده ی وصف او برآیند.

و شراب محبت او در جام کوچک کلام نمی‌گنجد ،

اما دل شیعه سرمست و سرشار از شراب محبت او.

و کائنات همه سر بر مهر او نهاده ،

و زمین به مهر او می‌گردد ،

و آسمان به عشق او می‌بارد.

ولایت **امیرالمؤمنین علیه‌السلام** آفرینش را مست و شیدا ،

و چه می‌گویم که هستی به محبت او از دیار عدم سر بر کشید،

و جام ولایت او نوشید ،

و مستانه در مدار عشق او می‌چرخد.

و **عشق** او اکسیر حیات،

و نامش دم مسیحایی است که زندگی جاودان می‌بخشد.

علی علیه‌السلام ید بیضای الهی است.

و اگر **غدير** نبود ، دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا قیامت ناتمام که

اليوم اكملت لكم دينكم.

و اگر **علی علیه‌السلام** نبود دل هیچ غنچه‌ای شوق شکفتن نداشت.

و خورشید سرد و بی‌فروغ ، و زمین ظلمتکده‌ای بود سرد و بی‌نور،

و دل آسمان تا بی‌انتهای سرد و تاریک،

که هیچ فرشته‌ای نبود تا بال به کبریا بگشاید و تسبیح و تقدیس پروردگار گوید .

و چه می‌گویم که اگر **علی علیه‌السلام** نبود دل آفرینش سرد و تهی ،

و جهان یکسره در دیار عدم سر به بالش نیستی نهاده ،

و هیچ موجودی سر از دیار عدم بر نمی‌کشید ،

و اگر **علی علیه‌السلام** نبود خداوند همچنان ناشناخته و تنها.

و **عشق** جوهره ی هستی ،

و **عشق** اکسیر حیات ،

و خداوند او را از **عشق** خویش آفرید.

و نه قبل از خلقت آدم ،

که قبل از خلقت هر موجودی ،

و فرشتگان به طفیل او آفریده شدند ،

و زمین و آسمان‌های هفتگانه ،

و عرش الهی و هر چه که در آنهاست، همه و همه،

به طفیل او از دیار عدم سر بر کشیدند و خیمه در صحرای هستی زدند.

و انبیاء جز بر ولایت او کلامی نگفتند و آیتی نخواندند.

و کشتی نوح جز با نام مقدس پنج تن از جای خویش حرکت نکرد.

و اگر مریم سلام الله علیها بر ولایت او نبود ، خداوند از روح خویش در او نمی‌دمید.

و عیسی علیه‌السلام اگر در گهواره سخن گفت جز با ولایت او نبود.

و ابراهیم علیه‌السلام با نام او مرغان را از فراز کوه‌ها ندا داد ،

و آنها به ندایش لبیک گفته و اجزاء درهم آمیخته شده ی آنان ، جز با نام مقدس او تکمیل نیافت و جان نگرفت.

و موسی علیه السلام با نام و ولایت او سحر ساحران را درهم کوبید ، و نیل را از هم شکافت.

و صالح علیه السلام با نام و ولایت او ناقه اش را که آیت پروردگار بود از دل کوه خارج ساخت.

و کوه اگر بر ولایت او نبود چگونه ناقه از دلش زاده می شد.

و جبرئیل علیه السلام اگر بر ولایت او نبود ،

با چه نیرویی و چگونه می توانست امین وحی الهی باشد و همدم و همنشین رسولان او.

و یونس علیه السلام اگر نام **علی علیه السلام** را نمی برد هنوز در شکم ماهی محبوس ، و جهان و جهانیان از او بی خبر.

و در دل یوسف علیه السلام اگر محبت و ولایت **علی علیه السلام** نبود هنوز در قعر چاه بود ،

و مصر و مصریان از دیدن ماه رویش در حجاب.

دل زمین و آسمان پر از محبت اوست ، و کائنات جز بر مدار **عشق** او نمی چرخد.

و ما مسافریم و بی تاب

و سفر نور می خواهد و ذکر نام **علی علیه السلام** خورشید دل ها.

و شراب طهور کلماتش در خمخان ی نهج البلاغه ،

و جام سخن در دستان یدالهی اوست ،

و می نوشاند به هر تشنه کام و عطشناکی که خواهان نوشیدن باشد.

و سکر کلمات قدسی اش جان ها را به مستی می نشاند،

و سفره ی او پر است از مائده های آسمانی که بر آسمان دلهایمان بی هیچ دریغی فرو می بارند.

و حکمت را از سرچشمه اش می نوشیم که جان های تشنه را سیراب می کند.

و **خداوند** سرشار از **عشق علی علیه السلام** که **عشق** را از نام او خلق کرد.

عین **عشق** عین **علی** شیر خداست

شین **عشق** شهد **شهادت** را رواست

قاضی الحاجات قاف **عشق** بود

پس خود الله **عشق** **عشق** بود

قاف را نتوان تو معنی کردنی

پس چه رو خواهی ز من اسرار بیرون کردنی

و در این وادی پای قلم لنگ، و کلمات بس کوتاه و حقیر.

و نام مقدس او دریای می، که در جام سخن نمی گنجد.

و قلم مست ، و کلمه مست ، و کلام مست، و سخن بی تاب و بیقرار و مست،

و در کائنات نام **علی علیه السلام** است که تکرار می شود.

و شور زندگی در رگ هر برگ،

و شوق شکفتن بر لبان هر غنچه،

و آواز هر پرنده در پهنه نیلگون آسمان،

و ترنم رود،

و آوای باد،

و همهمه ی موج،

و سکوت دشت،

و تلالؤ خورشید،

و نجوای ستاره در دل آسمان،

و تنهایی ماه،

و حریر نقره فام مهتاب،

و چرخش مستانه زمین،

و زمین مست ، و آسمان مست ، و دل کائنات بی‌تاب و بیقرار و مست،

و بر لبان ملائک نام **علی (علیه السلام)** است که تکرار می‌شود.

و کعبه تجلی‌گاه نور ولادتش،

و نماز جلوگاه عبادتش،

و ذوالفقار مظهر عدالتش که:



و محراب بستر شهادتش، که نماز میان دو لبش بود و جانش در معراج.

و مسجد کوفه بود و ماه که به دو نیمه شده بود.

و خون از رگ **عشق** می‌جوشید .

و عنقای بلند پرواز روح ملکوتی‌اش در حال رهایی از قفس تن.

و دلش تجلی‌گاه **عشق** بود و جانش در فوز عظیم الهی که خود فرمود:



(بخدای کعبه رستگار شدم.)

و سپیده ی سحر جامه ی خونین شفق پوشید و دل زمین سوگوار خورشید.

و ملکوت و ملکوتیان دیده به راه ،

و دلهاشان فرش قدومش،

و جنت از شوق دیدارش سبزترین جامه ی خویش را در بر کرده ،

و سرزمین سبز قدسیان سرشار از رایحه گل‌های سرخ محمدی و بوی یاس.

و کعبه در سوگش چادر سیاه به سر کشید،

و زمین نقاب شب در چهره کشید،

و خاکیان به سوگ عزیزترین اولاد آدم نشستند.

و کوفه بود و بچه‌های یتیم و کاسه‌های شیر.

و **امیرالمؤمنین علیه‌السلام** بود و دلش در شوق دیدار دوست بی‌تاب و بیقرار.

و **فاطمه سلام الله علیه** بود و ردای سبز **عشق** برازنده ی قامت دلجویش.

و در کنارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و هودج نور.

و ملائک صف اندر صف ،

به استقبال زیباترین سیمای ملکوتی **عشق**،

از آسمانی‌ترین نقطه ی بهشت تا خانه ی **علی علیه‌السلام** سوار بر مرکب نور،

و همگی رکابدار سلطان **عشق**.

و بالین **علی علیه‌السلام** ،

و بسترش ،

و خانه ی کوچکش،

و کوفه ،

و آسمان مکه و مدینه ،

و تمام زمین،

دوباره پر از رایحه ی یاس، و عطر جانبخش گل‌های سرخ محمدی، و بوی گلاب.

و **زینب سلام الله** علیها جامه ی سیاه اندوه به قامت خویش ،

در هودج صبر نشست.

و اینک دختر یکدانه ی **فاطمه سلام الله** علیها ،

که مهتاب شب‌های پدر بود و زینت خانه‌اش ،

در سوگ پدر.

و **امام حسن و امام حسین** که سلام و درود خداوندی بر آنان باد ،

تسلیم امر خداوندی.

و چون سیمای **عشق** و عدالت رخ در نقاب خاک کشید ،

و جان ملکوتی‌اش در حریم ستر ملکوت فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر مقیم گشت،

فرزند برنایش،

امام و مقتدای شیفتگان ولایت علوی با لوای مظلومیت سبز،

حسن بن علی علیه‌السلام،

به خطبه ایستاد و خداوند را ستود و بر او ثنا گفت و بر پیامبر درود فرستاد، و سپس فرمود:

«هان امشب مردی درگذشت که پیشینیان به او نرسیده‌اند و آیندگان هرگز مانند او را نخواهند دید.

کسی که نبرد می‌کرد و جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ او بودند.

بخدا قسم در همان شریبی وفات کرد که موسی بن عمران درگذشت و عیسی به آسمان برده شد و قرآن نازل گردید.^۲»

و پس از **علی علیه السلام** زمین یتیم گشت ،

و زمان تنها ماند ،

و آسمان پر از ستاره‌های غربت.

و پس از **علی علیه السلام** ،

دیو جهل و نیرنگ بود که بر جان آدمیان حکم می‌راند ،

و مردمان در زیر لوای خدعه و تزویر ،

جان‌های تشنه ی خویش را به سراب سپردند ،

و در کویر جهل خویش به هلاکت افتادند.



يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا

إِنَّ تَوَجُّهَنَا وَ اسْتَشْفَاعَنَا وَ تَوَسُّلَنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

وَ قَدَمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم بنجم



بخش پنجم

از آدم تا خاتم، از شیث تا علی

بر طبق تواریخ اسلامی و کتب دینی گذشتگان تمامی پیامبران الهی از آدم تا به خاتم دارای وصی بوده اند.

نام وصی آدم، "هبة الله" بود که به زبان عبرانی، "شیث" است.

وصی ابراهیم "اسماعیل"، وصی یعقوب "یوسف"، و وصی موسی "یوشع بن نون بن افرائیم بن یوسف" می باشد که همسر موسی بر ضد او شورش نمود.

وصی عیسی نیز "شمعون" نام داشت.

ما در اینجا تنها به یادآوری داستان ۳ تن از اوصیاء مذکور، بسنده می کنیم.

یعقوبی (یکی از مورخین بزرگ اسلامی)، درباره وصیت آدم به شیث می گوید:

"هنگامی که مرگ آدم فرارسید، "شیث" را وصی خود گردانید."

طبری (صاحب تاریخ الرسل و الملوك) نیز می گوید:

"هبة الله یا به زبان عبرانی "شیث"، وصی آدم بود و وصیت او را نوشت و او در آنچه گذشت، وصی پدرش آدم بود."

ابن اثیر و ابن کثیر نیز در عباراتی مجزا می گویند:

"تفسیر شیث، هبة الله است که وصی آدم بود و چون وفات آدم فرا رسید، شیث را وصی خود قرار داد."

همانگونه که ذکر گردید، وصی عیسی، "شمعون" نام داشت.

شمعون در تورات با نام "سمعون" آمده و در انجیل متی، باب ۱۰، درباره او می گوید:

"سپس ۱۲ شاگرد خود را طلبید و ایشان را بر ارواح پلید، قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهند.

نامهای ۱۲ رسول چنین اند: اول شمعون معروف به پطرس . . ."

در انجیل یوحنا، باب ۲۱، شماره ۱۸ - ۱۵، آمده است که عیسی او را وصی خود قرار داد و به وی گفت:

"گوسفندانم را شبانی کن"، کنایه از اینکه مؤمنان به مرا، سرپرستی نما.

و در قاموس کتاب مقدس نیز آمده که: "مسیح او را برای هدایت کنیسه (عبادتگاه مسیحیان)، تعیین نمود."

اما "یوشع بن نون" که وصی موسی است. در ماده "یوشع" قاموس کتاب مقدس به نقل از تورات گوید:

"یوشع بن نون با موسی در کوه سینا بود و به عبادت گوساله در عهد هارون آلوده نگردید."

حتی جالبتر آنست که نص داستان تعیین و معرفی او بوسیله موسی در باب ۲۷ سفر اعداد کتاب مقدس این چنین آمده است:

"و موسی به خداوند عرض کرده گفت:

ملتس اینکه "یهوه"، خدای ارواح تمامی بشر، کسی را بر این جماعت بگمارد، که پیش روی ایشان بیرون رود و پیش روی ایشان داخل شود و ایشان را بیرون برد و ایشان را درآورد تا جماعت خداوند، مثل گوسفندان بی شبان نباشند.

و خداوند به موسی گفت: یوشع بن نون را که مردی صاحب روح است، گرفته، دست خود را بر او بگذار،

و او را به حضور "الغازار کاهن" و به حضور تمامی جماعت برپا داشته در نظر ایشان به وی وصیت نما،

و از عزت خود بر او بگذار تا تمامی جماعت بنی اسرائیل او را اطاعت نمایند.

و او به حضور الغازار کاهن بایستد تا از برای او به حکم "اوریم"، به حضور خداوند سؤال نماید و به فرمان وی، او و تمامی بنی

اسرائیل با وی و تمامی جماعت بیرون روند و به فرمان وی داخل شوند.

پس موسی به نوعی که خداوند او را امر فرموده بود، عمل نموده یوشع را گرفت و او را به حضور العازار کاهن و به حضور تمامی جماعت بر پا داشت، و دستهای خود را بر او گذاشته او را به طوری که خداوند به واسطه موسی گفته بود، وصیت نمود.

داستان قیام و اقدام او به کار بنی اسرائیل و جنگهای وی، در ۲۳ باب "سفر یوشع بن نون" آمده است.

خاتم الأنبياء (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز پیامبری نو ظهور و جدای از پیامبران پیشین نبود تا امت خویش را بدون تعیین "وصی" و "ولی امر" رها سازد.

او همان کسی است که جامعه اسلامی کوچک مدینه را به هنگام غیبت خویش، یک لحظه هم بدون رهبر رها ننمود و هر بار که شهر مدینه را حتی برای مدتی کوتاه ترک می نمود، شخصی را به جانشینی خویش منصوب می داشت

آری، محال است که خاتم الأنبياء (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر رسولان خدا، جامعه اسلامی را برای همیشه تاریخ رها سازند و "ولی امر" پس از خود را تعیین ننمایند.

نه تنها پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رهبر جامعه و وصی خویش را معین نمود، بلکه از این جهت نیز شباهتهای شگفت انگیزی با پیامبران دیگر دارد.

به عنوان نمونه، همانگونه که ذکر شد، یوشع بن نون با موسی در "طور سینا" بود و به گوساله پرستی آلوده نگردید و خداوند به موسی فرمان داد تا او را وصی پس از خود گرداند تا بندگان خدا همانند گوسفندان بی شبان نباشند.

امام علی علیه السلام نیز با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در "غار حرا" بود و هرگز به بت پرستی آلوده نگردید.

همانگونه که موسی از جانب پروردگار مأمور گشت تا در حضور مردم، وصی خویش را معرفی کند،

خداوند خاتم الأنبياء (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز فرمان داد تا در بازگشت از "حجة الوداع"، امام **علی علیه السلام** را فراوی حاجیان، "ولی امر" امت پس از خود تعیین نماید و امت را پس از خویش بدون صاحب رها نسازد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در "غدیر خم" این فرمان را با صدائی رسا اعلام داشت و **علی علیه السلام** را ولی عهد پس از خود قرار داد.

بدین طریق آنچه که درباره همانندی امت با بنی اسرائیل فرموده بود که:

"هر چه بر بنی اسرائیل رسید، بر امت من نیز می رسد"، راست و صادق آمد.

(بر گرفته از کتاب گرانقدر "معالم المدرستین"، تألیف: علامه سید مرتضی عسکری (با اندکی تصرف)



متن خطبه غدیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ
بِقُدْرَتِهِ وَبِرُحْمَانِهِ،

حميداً لم يزل، محموداً لا يزال (و مجيداً لا يزول، ومُبدناً ومُعبداً و كل أمرٍ إليه يغود).

بارئ المسموكات وداحي المذخوات وجبار الأرضين والسموات، قُدوس سُبُوح، رَبُّ الملائكة والرُّوح، مُتَقَضِّلٌ علي جميع من يَرَاهُ، مُتَطَوِّلٌ علي جميع من أنشأه.

يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ.

كَرِيمٌ خَلِيمٌ ذُو أُنَاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلْبَةُ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَانِمٌ حَيٍّ وَقَانِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَابِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَ عَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَادَلٍّ عَزَّوَجَلَّ عَلَي نَفْسِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يَنْفُذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَةَ مُشِيرٍ وَ لَامِعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَجْدِيدِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَي غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مُعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلَفٍ وَلَا اخْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَّأَهَا فَكَانَتْ.

فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنِيعَةُ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةُ، الْعَزَلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاكِ وَ مَفْلُكُ الْأَفْلاكِ وَ مُسَخَّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِاجِلِ مُسَمًّى. يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَي النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارَ عَلَي اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَتِيئاً. قَاصِمٌ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نَدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَاهٌ وَاحِدٌ وَ رَبٌّ مَاجِدٌ يَشَاءُ فَيُعْضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَيَغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُذْنِي وَ يُقْضِي) وَيَمْنَعُ وَ يُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْغَطَاءِ، مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يَشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَضْجُرُهُ صَرَخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَا يَبْزِرُهُ إِحْصَاخُ الْمَلْحِينَ.

أَلْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مُوَلِّي الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَي كُلِّ حَالٍ).

أَحْمَدُهُ كَثِيراً وَ أَشْكُرُهُ دَائِماً عَلَي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَي كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَ اسْتَسْلِمُ لِمَاقْضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفاً مِنْ غَفَوَاتِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَثَرُهُ وَلَا يَخَافُ جَوْرُهُ.

وَأَقْرَبُهُ عَلَي نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُؤَدِّي مَا أُوْحِيَ بِهِ إِلَيَّ خُذْراً مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَذْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

- لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ - لَا إِلَهَ قَدْ عَلِمْنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلَي) فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمَنْ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنْ النَّاسِ) وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.

فَأُوحِي إِلَيَّ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلَي يَغْنِي فِي الْخُلَافَةِ لِعَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

مَعَاشِيرَ النَّاسِ، مَا قَصُرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَ أَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرِيْلَ هَبِطَ إِلَيَّ مَرَاراً ثَلَاثاً يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَ هُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدَ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي (عَلَي أَمْتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا تَبِيَّ بَعْدِي وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)، وَ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي (السَّلَامَ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعَلَّمِي بَقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ الْلَّانِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْإِسْنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسَبُونَهُ هَيْئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

وَكَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَرَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مَلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَ هَوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذْنٌ، قُلْ أَذْنٌ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَذْنٌ) - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةَ.

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَ الْقَانِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَانِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أَوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أَذَلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لِأَيْرَاضِي اللَّهِ مِنِّي إِلَّا أَنْ أَبْلُغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (بِأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).



فَاغْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَافَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَنِي لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ عَلَيَّ التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَيَّ الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَ عَلَيَّ الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَ عَلَيَّ الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَ عَلَيَّ كُلِّ مُوَحَّدٍ.

مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مُلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَانْقَادُوا لِأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الْوَخَاتِبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حِلَّ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَقْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَخَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (فَضَّلُونَهُ). مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَ كُلِّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفَرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَكْبِفُوا عَنْ وَلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهِي عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي قَدِيَ رَسُولُ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَغْبِذُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عِبَادَ اللَّهِ مَعِي. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَقَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ).



مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْآبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَضَلُّوا نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهِ - بَشَرًا أَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (وَاللَّهِ) - خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَابِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَى وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا إِلَاةَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنْ بَدَى الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرُّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مِنْ رَدِّ عَلِيٍّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جِبْرِيلَ خَبَّرَنِي عَنْ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادِي عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهْ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي»، (و لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمُ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَنْ يَخَالِفِهِ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَذَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مِثْلَابَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يَبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُصْعِدُهُ إِلَى وَشَائِلٍ بَعْضُهُ (و رَافِعُهُ بِيَدِي) وَ مُغْلِمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي، وَ مَوَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي (مِنْ صَلْبِي) هُمُ الثَّقَلَيْنِ الْأَصْغَرُ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مَ وَاقِفٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَذْنِيتُ.

أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ، أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَاتَحِلَّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثُمَّ قَالَ: «إِيهَا النَّاسُ، مَنْ أَوَّلِي بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ. فَقَالَ: أَلَا مِنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَاعِي عِلْمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أَمْتِي عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْوَالِي لِمَحَارِبِ لَدِي غَدَانِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ النَّكَاسِثِينَ وَ الْفَاسِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدِي).

بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَ الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقِّي.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَلَيْكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَ نَصْبِكَ لِيَاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مَنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ) وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، (لَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَهُمْ يُنْظَرُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ. وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضَا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بِأَيِّهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّةُ مَنْ صُلِبَ (أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٌّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَخْسُدُوهُ فَتُخْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَرَلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَغْدَاءُ اللَّهِ،

أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَ لَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهُ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (يَسْمَعُ اللَّهُ الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ، وَالْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

(إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتَ اللَّهَ وَبَلَّغْتُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلُ أَنْ تَطْمَسَ وَجُوهُا فَتَرُدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا أَوْ تُلْعَنُكُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ). (بِاللَّهِ مَا عَنِي بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرَفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَيَّ مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْخُبِّ وَ الْبَغْضِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي تُمِّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَيَّ الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُغَائِبِينَ وَ الْخَالِفِينَ وَ الْإِيمَانِيْنَ وَ الظَّالِمِينَ وَ الْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذَرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَأَنْ مِثَّ أَوْ قُتِلْتُ أَنْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَغَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَيَّ عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُوصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُوتُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُوتُوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيُخْبِطَ عَمَلَكُمْ وَ يَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ يَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَ نَحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِا الْمُرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَيْسَ مَنُوءِي الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَاثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَيَّ كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَيَّ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ شَهِدٍ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَلِدْ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَ سَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكَاً وَ اغْتِصَاباً، (أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ)، وَ عِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا النَّفْلَانِ (مَنْ يَفْرَغُ) وَ يَرْسِلُ عَلَيْكُمَا شُرَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَ نَحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرُكُمْ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَيَّ الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَمْلُكُهَا الْإِمَامُ الْمُهْدِي وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَ غَدُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نَنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَذَلِكَ يَوْمُنَا لِلْمُكَذِّبِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَبُوا وَ انْتَهَبُوا لِتَنْهِيهِ تَرْضَوْا، (وَ صَبِرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلَ عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةُ (الْمُهْدِي)، يَهْدُونَ إِلَيَّ الْحَقَّ وَ بِهِ يَغْلِبُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» إِلَى آخِرِهَا،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهُ) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ).

(أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَصْنَلُونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَيْهَتِهِمْ شَهيقاً وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَجْرُونَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةِ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (الْأَفْسَحَقَ لَا صَحَابَ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمُ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، شَتَانِ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

(مَعَاشِرِ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مِنْ دَمَةِ اللَّهِ وَلَعْنَةُ، وَ وَلِيْنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، أَلَاوَاتِي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلِيٌّ الْبَشِيرُ.

(مَعَاشِرِ النَّاسِ)، أَلَا وَ إِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ (أَلَا) وَ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيي.

(مَعَاشِرِ النَّاسِ، أَلَاوَاتِي رَسُولٌ وَ عَلِيٌّ الْإِمَامُ وَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي، وَ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ. أَلَاوَاتِي وَ الذُّهُمُ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).



أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَانِمِ الْمُهْدِي.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَيَّ الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْخُصُونِ وَ هَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ وَ هَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمَذْكُورُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ.
 أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.
 أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَمُخْتَارُهُ.
 أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمَحِيطُ بِكُلِّ فَعْلٍ.
 أَلَا إِنَّهُ الْوَحْيُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةً بَعْدَهُ وَلَا حَقٌّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.
 أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.



مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلَيَّ يَفْهَمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَيَّ مُصَافَقَتِي عَلَيَّ بِنِعْتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا أَخَذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثْ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُتَّوِّتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحُجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) الْآيَةُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَ أَبْشَرُوا، وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ افْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانَتُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مَخْلُفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلَيَّ وَلِيَّكُمْ وَمُبَيِّنٌ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينٌ خَلَفَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا سَأَلُوا عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْخَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْخَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلَيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَانِمَةٌ، خَاتَمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يَقْدَرُ وَ يَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَ كُلُّ خَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلَّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ. أَلَا وَ إِنِّي أَجِدُّ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَآمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَتَنَهَّوْا إِلَيَّ قَوْلِي وَتَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضَرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَاهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنِّي. وَ لَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيٌ عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَخْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْفَرَأَنُ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدَهُ، وَ عَرَفْتُمْكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ). وَ قُلْتُ: «لَنْ تَصِلُوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَ اخْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ). أَذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِينَ وَ الْحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مَنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِفْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ، عَلَيَّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ دُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وَلَدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ. نُبَايِعُكَ عَلَيَّ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا. عَلَيَّ ذَلِكَ نَحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَ لَا نُغَيِّرُ وَ لَا نُبَدِّلُ، وَ لَا نَشْكُ (وَ لَا تَجْحَدُ) وَ لَا تَرْتَابُ، وَ لَا تَرْجِعْ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَا تَنْقُضَ الْمِيثَاقَ.

وَ عَظَّمْنَا بِوَغْظِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ دُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَ الْخُسَيْنَ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ ضَمَانِنَا وَ أَيْدِينَا. مَنْ أَذْرَكَهَا بِيَدِهِ وَ إِلَّا فَقَدْ أَقَرَّ بِلسَانِهِ، وَ لَا تَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا يَزِي اللَّهَ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا. نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ أَهَالِينَا، وَ نُشْهَدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلَّ عَلَيْهَا)، وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يَبَايِعُ اللَّهَ، (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَبَايَعُوا اللَّهَ وَ بَايَعُونِي وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْخُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى، (وَ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَيَّ نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قُولُوا: (سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)، وَ قُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مَبَايِعَتِهِ وَ مَوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْلَنُكُمْ هُمْ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَغَفَرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدْبَيْتَ وَأَمَرْتَ) وَ اغْضِبْ عَلَيَّ (الْجَاغِدِينَ) الْكَافِرِينَ، وَ اخْذِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مولای ما نمونه دیگر نداشته است
 اعجاز خلقت است و برابر نداشته است
 وقت طواف دور حرم فکر می‌کنم
 این خانه بی دلیل ترک بر نداشته است
 دیدیم در غدیر که دنیا به جز علی
 آینه ای برای پیمبر نداشته است
 سوگند می‌خورم که نبی شهر علم بود
 شهری که جز علی در دیگر نداشته است
 طوری ز چارچوب، در قلعه کنده است
 انگار قلعه هیچ زمان در نداشته است
 یا غیر لافتی صفتی در خورش نبود
 یا جبرئیل واژه بهتر نداشته است
 چون روز روشن است که در جهل گمشده است
 هر کس که ختم ناد علی بر نداشته است
 این شعر استعاره ندارد برای او
 تقصیر من که نیست برابر نداشته است



شعر سید حمیدرضا بررقی برای حضرت علی(ع)

مصرع ناقص من کاش که کامل می شد
شعر در وصف تو از سوی تو نازل می شد

شعر در شأن تو شرمند به همراه نیست
واژه در دست من آنگونه که می خواهم نیست

من که حیران تو حیران توام می دانم
نه فقط من که در این دایره سرگردانم

همه ی عالم و آدم به تو می اندیشد
شک ندارم که خدا هم به تو می اندیشد

کعبه از راز جهان راز خدا آگاه است
راز ایجاز خدا نقطه ی بسم الله است

کعبه افتاده به پایت سر راهت سرمست
«پیرهن چاک و غزل خوان و صراحی در دست»

کعبه وقتی که در آغوش خودش یوسف دید
خود زلیخا شد و خود پیرهن صبر درید

کعبه بر سینه ی خود نام تو ای مرد نوشت
قلم خواجه ی شیراز کم آورد، نوشت

ناگهان پرده برانداخته ای یعنی چه»
«مست از خانه برون تاخته ای یعنی چه

راز خلقت همه پنهان شده در عین علی ست
کهکشان ها نخی از وصله ی نعلین علی ست

روز و شب از تو قضا از تو قدر می گوید
ها علیُّ بشرٌ کيفَ بشرٌ» می گوید»

می رسد دست شکوه تو به سقف ملکوت
ای که فتح ملکوت است برای تو هبوط

نه فقط دست زمین از تو تو را می خواهد
-سالیانی ست که معراج خدا می خواهد

زیر پای تو به زانوی ادب بنشیند
لحظه ای جای یتیمان عرب بنشیند

دم به دم عمر تو تلمیح خدا بود علی
رقص شمشیر تو تفریح خدا بود علی

وای اگر تیغ دو دم را به کمر می بستی
وای اگر پارچه ی زرد به سر می بستی

در هوا تیغ دو دم نعره ی هو هو می زد
نعره ی حیدریه «أَیْنَ تَقْرُو» می زد

بار دیگر سپر و تیغ و علم را بردار
پا در این دایره بگذار عدم را بردار

بعد از آن روز که در کعبه پدیدار شدی
یازده مرتبه در آینه تکرار شدی

راز خلقت همه پنهان شده در عین علی ست
کهکشان ها نخی از وصله ی نعلین علی ست

روز و شب از تو قضا از تو قدر می گوید
ها علیُّ بشرٌ کيفَ بشرٌ» می گوید»



<http://www.aparat.com/v/57Fb1>

شعرخوانی سید حمید رضا برقی در شب عید غدیر (قسمت اول)

<http://www.aparat.com/v/BOcyl>

شعرخوانی سید حمید رضا برقی در شب عید غدیر (قسمت دوم)